



تبیین زیبایی‌شناسی نمادین اخلاق و هنر از منظر پروین اعتصامی و ابن‌یمین فریومدی**

علی کشوری^۱، محمد شاه بدیع‌زاده^۲، جواد مهربان قزل‌حصار^۳

^۱ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، ak1602002@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، Mohammad.shahbadizadeh@gmail.com

^۳ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، drjavadmehraban@gmail.com

چکیده

مضامین اخلاقی و پردازش‌های هنرمندانه از مختصات سبکی بسیاری از شعرای ادب فارسی است. در این میان، ابن‌یمین فریومدی و پروین اعتصامی را می‌توان در زمره شعرای بزرگی دانست که به مضامین اخلاقی توجه جدی داشته‌اند. در این مقاله به بررسی تعالیم اخلاقی در اشعار ابن‌یمین و پروین اعتصامی پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر سندپژوهی بوده و نوع آن تحلیلی و توصیفی است. فرضیه پژوهش، احتمال وجود نکات مشترک در زمینه اخلاق‌مداری و گرایش به اخلاق در اشعار پروین و ابن‌یمین است. پس از بررسی دیدگاه‌های دو شاعر در مورد اخلاق و مضامین اخلاقی، این نتیجه به دست آمد که ابن‌یمین در سرودن قطعات اجتماعی و اخلاقی بسیار چیره‌دست بود و شهرتش مدیون قطعات است. او مخاطبانش را به عزت‌نفس، دوری از چاپلوسی، کار و کوشش، فناخت و پرهیز از مداحی ستمگران دعوت می‌نماید و قطعاتش در عین کوتاهی آیینة روشنی از اوضاع و احوال بی‌سامان روزگار اوست. پروین نیز شاعری آرمان‌گراست و نکات اخلاقی و اندرزهای او بیشتر در مناظره و در قطعاتش جلوه‌گر شده است. وی در سرودن قطعات از انوری و ابن‌یمین پیروی کرده است و قریب به اتفاق اشعارش اخلاقی و تعلیمی بوده و در آنها تقوی، پاک‌ی، علم‌ورزی، درستکاری و خردورزی را تبلیغ کرده است؛ و تلاش وی این است که از طریق اشعار خود همه را به سوی کمال سوق دهد.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین زیبایی‌شناسی نمادین اخلاق از منظر پروین اعتصامی و ابن‌یمین فریومدی.

۲. بررسی ارتباط هنر و ادبیات.

سؤالات پژوهش:

۱. زیبایی‌شناسی نمادین اخلاق در آثار پروین اعتصامی و ابن‌یمین فریومدی چگونه است؟

۲. هنر و ادبیات چه رابطه‌ای با هم دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۳

دوره ۲۱

صفحه ۵۶۰ الی ۵۷۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

ادبیات تعلیمی،

اخلاق‌مداری،

تعلیم و تربیت،

ابن‌یمین،

پروین اعتصامی.

ارجاع به این مقاله

کشوری، علی، شاه بدیع‌زاده، محمد، &

مهربان قزل‌حصار، جواد. (۱۴۰۳). تبیین

زیبایی‌شناسی نمادین اخلاق و هنر از

منظر پروین اعتصامی و ابن‌یمین

فریومدی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۳)،

۵۶۰-۵۷۴.



doi.org/10.22034/IAS.2022.345054.1977

***** ***/



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.345054.1977](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.345054.1977)

۲۰۲۲.۳۴۵۰۵۴.۱۹۷۷

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری "علی کشوری" با عنوان "تأثیرگذاری ادبیات بر اخلاق‌مداری دانش‌آموزان در آموزش و پرورش" است که به راهنمایی دکتر "محمد شاه بدیع‌زاده" و مشاوره دکتر "جواد مهربان قزل‌حصار" در دانشگاه "آزاد اسلامی" واحد "مشهد" ارائه شده است.

مقدمه

از آنجاکه بشر ذاتاً تمایلی ندارد به‌طور مستقیم و آمرانه مورد پندواندرز قرار گیرد، اینجاست که ارزش شعر در زمینه تعلیم و تربیت آشکار می‌شود؛ چراکه در متون ادبی و مخصوصاً شعر، شاعر مستقیماً و به‌صورت آمرانه به پندواندرز نمی‌پردازد بلکه تعلیم اخلاقی و تربیتی خود را در ضمن سخنان عاطفه‌انگیز و احساسات خود بیان می‌کند (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۴۰۸). آموزه‌های اخلاقی از دیرباز یکی از مضامین پرتکرار در شعر فارسی بوده است؛ تاجایی که حتی اولین شاعران تاریخ شعر فارسی همچون رودکی به این آموزه‌ها توجه ویژه داشته‌اند. بدون تردید، توجه به اخلاق و حسن و قبح اعمال بعد از ورود دین اسلام به ایران پررنگ‌تر شد و شاعران به نشر و تشریح مضامین اخلاقی و انسانی اسلامی و قرآنی همت گماشتند. علاوه بر این، ورود عرفان به شعر در قرن ششم پیش از پیش بر وجهه دینی اشعار شاعران افزود و آرمانشهر اخلاقی شاعران در پایه اسلام و عرفان اسلامی تکوین یافت.

در کل می‌توان گفت که در ادبیات فارسی بسیاری از شاعران ما به حوزه اخلاق‌گرایی گرایش داشته و به‌عنوان شاعر اخلاق‌گرا مطرح بوده‌اند. از میان شاعران عرصه شعر فارسی در قرن هشتم، ابن‌یمین فریومدی به مسائل اخلاقی توجه فراوانی نشان داده است؛ به‌طوری که در اشعار خود بسیاری از مسائل اخلاقی را - که به‌خصوص در آن دوره مطرح بوده است - با زیبایی و ظرافتی خاص که ویژه اوست، مطرح می‌کند. وی با تأثیرپذیری از قرآن، به توصیف و ترویج فضایل و مذمت رذایل اخلاقی پرداخته است. اخلاق‌گرایی در شعر، مختص دوران‌های گذشته نبوده و در ادبیات معاصر نیز با شاعرانی روبه‌رو می‌شویم که اخلاق و پندواندرز را همواره در شعر خود مورد تأکید و توجه قرار داده و در جهت ترسیم جامعه‌ای بهتر که مملو از ارزش‌های اخلاقی باشد، با ابزار شعر تلاش کرده‌اند. از میان شعرای معاصر، بانو پروین اعتصامی را می‌توان یکی از اخلاق‌گراترین شاعران محسوب کرد؛ زیرا او همواره به رسالتی اخلاقی و انسانی در شعر پایبند بوده و با ظلم و بی‌عدالتی و سایر رذایل اخلاقی به مبارزه پرداخت و فضایل اخلاقی را ستوده است.

در این پژوهش برآنیم تا مشخص شود که این دو شاعر متعهد تا چه حد به اخلاق و تعلیم اسلامی و انسانی در شعر خود اهمیت قائل بوده‌اند و همچنین به این سؤال پاسخ دهیم که آیا می‌توان از حیث توجه به اخلاق و مضامین اخلاقی، اشتراکات قابل‌توجهی در اشعار این دو شاعر مشاهده کرد؟ فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از: پروین اعتصامی و ابن‌یمین هر دو از شاعرانی هستند که به مسائل اخلاقی جامعه خود حساسیت داشته و سعی در اصلاح اصول اخلاقی حاکم بر جامعه داشته‌اند. از حیث توجه به مفاهیم و مضامین اخلاقی، اشتراکات قابل‌توجهی در شعر دو شاعر می‌توان دید. نظام اخلاقی موردنظر هر دو شاعر از حیث اصول و مفاهیم پایه‌ای به همدیگر شباهت دارد و علت آن سرچشمه‌گرفتن دیدگاه‌های اخلاقی دو شاعر از تعلیم اسلام است. مضامین و معارف اسلامی موجود در قرآن کریم و احادیث و روایات در شعر دو شاعر نمود چشمگیری دارد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. لذا پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به دنبال بررسی وجوه زیبایی‌شناسی نمادین اخلاقی و هنری در آثار پروین اعتصامی و ابن‌یمین فریومدی است.

۱. معرفی آثار ابن‌یمین

دیوان ابن‌یمین که اکنون به‌جا مانده و خود شاعر در سال ۷۵۴ هجری مقدمه‌ای بر آن نوشته شامل قصاید، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، غزل و رباعی و مقطعات است که مجموع آن نزدیک به ۱۵ هزار بیت دارد و دیگری نمونه‌هایی از منشآت اوست (نک: برتلس : ۲۳۸-۲/۲۴۰). بخش کوچکی از دیوان شامل قطعات و اشعار عربی اوست که در اخلاق و حکمت و نصیحت و موضوعات دیگر که غالباً به نظم فارسی ترجمه شده‌اند و چند ملمع نیز در میان آن‌ها دیده می‌شود. یکی از رسائل ابن‌یمین که خطاب به خواجه علاءالدین وزیر و شکایت از بی‌تفاتی اوست در حقیقت منظومه‌ای است «موقوف القوافی» که از انواع بسیار نادر در شعر فارسی است (بهار، ۱۳۵۱: ۴۲۰-۴۲۱). شهرت و اهمیت ابن‌یمین بیشتر به سبب قطعات معروف است که مشتمل بر مضامین اخلاقی و اجتماعی است و غالباً در ابیاتی روان و بی‌تکلف خوانندگان را به کار و کوشش و قناعت و استقلال ترغیب، و پرهیز از طمع و زیاده‌طلبی و صیانت نفس از ذلت و خواری دعوت می‌کند. قطعات ابن‌یمین در عین کوتاهی و سادگی، آینه روشنی از اوضاع و احوال بی‌سامان و پریشانی‌های اخلاقی و اجتماعی و سیاسی روزگار پرآشوب و پر تزلزل او است. گرچه در این قطعات نیز گه‌گاه مداحی از شاهان و وزیران دیده می‌شود لیکن در موارد بسیار سخن او با کنایه‌ها و طنزهای تند و شکایت‌های تلخ از نامردمی و دون‌تبعی و قدرناشناسی این‌گونه اشخاص همراه است.

کلام ابن‌یمین از تکلف و تصنع عاری و از لحاظ انسجام و سادگی و روانی ممتاز است ولی در غزل و قصیده و رباعی به پای شاعران بزرگ گذشته و حتی برخی از معاصران خود نمی‌رسد، اینکه او گاهی خود را در شاعری بلا نظیر (همان: ۴۱۹) و برابر با عنصری و انوری و یا برتر از آن‌ها می‌شمارد (همان: ۱۷۲: ۵۴۵) جز پندار و بلندپروازی شاعرانه نیست. مایه اصلی اشعار او دیده‌ها و دریافت‌های شخصی او و تجربه‌هایی است که در دوران پر تحول و پراضطراب زندگانی خویش حاصل کرده است و از این روست که سخنانش بر دل‌ها می‌نشسته و بر زبان‌ها جاری بوده و پاره‌ای از گفته‌هایش به‌صورت مثل برای سائرین درآمده است (قیس : ۱۸۷، ۳۷۰، ۳۸۴، ۴۸۴، ۵۵۷).

کلام ابن‌یمین برخلاف شاعران هم دوره او که برای فضل‌فروشی و اثبات اشرافشان بر علوم، غالباً سخت و دشوار بود در کمال سادگی و روانی و عاری از هرگونه تکلف و فضل‌فروشی و به تمام معنی دنباله سبک ساده شاعران خراسانی بوده است. در اشعار ابن‌یمین کلمات دور از ذهن و ترکیبات دشوار بسیار نادر است و این نشانه این است که کلام ابن‌یمین از قریحه و ذوق و احساسات او برخاسته و نه مانند شاعران روزگار او که برای اثبات مهارت و دانش و اطلاع خود از الفاظ دشوار استفاده می‌کردند و به همین دلیل هم اشعار ابن‌یمین بیش از اشعار سخنوران معاصرش رواج یافت.

۲. معرفی آثار پروین

دیوان پروین، شامل ۲۴۸ قطعه شعر می‌باشد که از میان آنان ۶۵ قطعه به صورت مناظره است. اشعار پروین اعتصامی بیشتر در قالب قطعات ادبی است که مضامین اجتماعی را با دیده انتقادی به تصویر کشیده است. در میان اشعار پروین، تعداد زیادی شعر به صورت مناظره میان اشیاء، حیوانات و گیاهان وجود دارد، درون‌مایه اشعار او بیشتر غنیمت‌داشتن وقت و فرصت‌ها، نصیحت‌های اخلاقی، انتقاد از ظلم و ستم به مظلومان و ضعیفان و ناپایداری دنیاست. در شعر پروین استفاده‌هایی از سبک شعرای بزرگ پیشین نیز شده است» (عبرت نایینی، ۱۳۷۶: ۶۱). ملک‌الشعراى بهار در مقدمه‌ای که بر دیوان وی می‌نویسد می‌گوید: «این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو قبادیانی و دیگر شیوه شعرای عراق و فارس است به‌ویژه شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی و از حیث معانی نیز بین افکار و خیالات حکما و عرفا است و این جمله با سبک و اسلوب مستقلی که خاص عصر امروزی و بیشتر پیرو تجسم معانی و حقیقت‌جویی است ترکیب یافته و شیوه‌ای بدیع و فاضلانه به‌وجود آورده است. اشعار او را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول که به آن سبک خراسانی گفته شده و شامل اندرز و نصیحت است و بیشتر به اشعار ناصر خسرو شبیه است و دسته دوم اشعاری که به آن سبک عراقی گفته شده و بیشتر جنبه داستانی و به‌ویژه از نوع مناظره دارد و به سبک شعر سعدی نزدیک است که این دسته از اشعار پروین شهرت بیشتری دارند.

آنچه از مضامین و معانی اشعار پروین می‌توان درباره خلیات و روحيات او استنباط کرد دل‌بستگی عمیق وی نسبت به پدر و استعداد وافر و شوق فراوان او به آموختن علم و دانش است و دیگر پاکی و پاکدامنی و روحیه ظلم‌ستیزی و حمایت و ابراز همدلی و همدردی با محرومان و ستمدیدگان می‌باشد. شاید همین روحیه سبب شده تا وی دعوت رضاشاه را برای آنکه معلم ملکه باشد نپذیرد (همان: ۲۷). شعر پروین را می‌توان از حیث صورت و معنی براساس نوع و قالب و سبک و واژگان و وزن و مضمون و نیز طرز بیان مفاهیم و معانی بررسی کرد. وی چند سال پیش از مرگ خود، یک قسمت از اشعارش را که مطلوب طبعش نبوده سوزانده است.

درواقع شعر پروین شعری تعلیمی و اخلاقی است نه غنایی و تغزلی. واژگان شعر پروین فاخر و فخیم است و در آن از لغات و اصطلاحات عربی مهجور و یا بعضی لغات فرنگی که بر اثر تحولات اجتماعی ناشی از ترقی و تجدد در دوران او معمول بوده است خبری نیست. پروین گاهی از اوزان و بحور نامطبوع استفاده کرده و از حیث طرز بیان مفاهیم و معانی، مخصوصاً به «مناظره» و «سؤال و جواب» توجه داشته است (مؤید، ۱۳۶۷: ۲۳). در دیوان او بیش از هفتاد نمونه مناظره آمده که وی را از این حیث در میان همه شاعران فارسی زبان ممتاز ساخته است، این مناظرات نه فقط میان آدمیان و جانوران و گیاهان بلکه میان انواع اشیاء از قبیل سوزن و نخ نیز اتفاق می‌افتد و پروین در بیان مقاصد خود از هنر شخصیت‌بخشی و تخیل و تمثیل در حد اعلا استفاده کرده است. بهار وی را احیاکننده مناظره در شعر فارسی دانسته است (بهار، ۱۳۵۱: ۲۱۰). شعر پروین با وجود استواری و متانت در لفظ و معنی، روان و آسان فهم است

و به قدری از تصنع و تکلف خالی است که به قول پدرش اعتصام‌الملک برای مبدل کردن آن به نثر، جابه‌جا کردن کلمات کافی است و نیازی به افزودن و کاستن چیزی نیست، می‌توان گفت که شعر پروین از نمونه‌های شعر سهل ممتنع است. پروین با هنرمندی و قوت فکر و صفای طبع توانسته است در عین استفاده از واژگان و مفاهیم ساده و ملموسی مانند باد و باران، مور و مار، گل و خار، دزد و قاضی، دیوانه و زنجیر، نخ و سوزن، سگ و گربه، ذره و خفاش، رفوگر و سوزن حقایق آسمانی و علوی و عرفانی را در کنار مسائل اساسی اجتماعی با زبان فصیح و استوار و همه‌کس فهم بیان کند (موید، ۱۳۶۷: ۲۶).

شعر پروین نه مطلقاً آسمانی و نه مطلقاً زمینی است، بلکه شعری است که می‌خواهد حضور آسمان را در زمین و عروج اهل زمین را به آسمان ممکن سازد. حساسیت او به سرنوشت ستمدیدگان و خشم و نفرت او نسبت به زورمندان و زراندوزان، به شعر او معنای اجتماعی و سیاسی خاصی می‌بخشد که می‌توان گفت تطبیق آن با اوضاع و احوال زمانه خوشایند حکومت وقت نبوده است (دهباشی، ۱۳۷۸: ۴۵). رنگ سیاسی شعر پروین به اندازه‌ای محسوس است که بعضی از منتقدان، شعر او را شعر «سیاست و اخلاق» نامیده و گفته‌اند که «سلاست کلام شاعرانه و صلابت پیام سیاسی و مهابت خلل‌ناپذیر اخلاق در شعر او جمع شده است» (همان: ۴۷). شجاعت و آزادمنشی پروین وقتی قابل‌درک است که به یاد آوریم این اشعار در چه محیطی سروده شده و حکومت ارباب و خفقان و فشار و استبداد رضاشاه با شاعران آزادی‌خواه چه رفتاری داشته است. وصف شعر پروین صرفاً با ذکر آنچه در دیوان او هست کامل نمی‌شود بلکه باید به آنچه در شعر او نیست نیز اشاره شود.

۳. مضامین اخلاقی در اشعار ابن‌یمین

دیوان ابن‌یمین همچون اشعار سعدی گنجینه‌ای است ارزشمند از پند و اندرزهای اخلاقی و اجتماعی و همین مسئله نشانه وجود بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی در میان مردم این دوره است. برای مثال، اگر تکبر در جامعه در حد چشمگیری رواج نداشته باشد، نیازی به توصیه مکرر به تواضع و سفارش به دوری از تکبر نخواهد بود. در این دوره ابن‌یمین شاهد به‌وجود آمدن بسیاری از رذایل اخلاقی در میان مردم جامعه و روزگارش بوده است و بنابر وظیفه انسانی خود در برابر این رذایل اخلاقی سکوت اختیار نکرده و پیوسته برای اصلاح جامعه مردم روزگارش به‌وسیله انتقاد و نیز پند و اندرز تلاش نموده است.

۳.۱. ظاهر سازی (ریا) و ظاهر پرستی

یکی از رذایل اخلاقی که در این دوره مورد انتقاد اکثر شاعران بوده است، ریا و ظاهر سازی است. معنای لغوی کلمه ریا، دورویی و نفاق است؛ به معنی انجام کارهای نیک به قصد خودنمایی و بدون قصد و نیت الهی و بلکه برای به‌دست آوردن مقام و منزلتی نزد دیگران. پیامبر بزرگ اسلام ریا را شرک به خداوند دانسته‌اند: «مَنْ صَلَّى صَلَاةً يُرَائِي بِهَا فَقَدْ أَشْرَكَ وَ مَنْ صَامَ صَوْمًا يُرَائِي بِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ آيَةَ (كُتِبَ عَلَيْكُمُ اتَّقِيَ اللَّهَ الَّذِي تَخَوَّوْا عِندَ اللَّهِ إِنَّهُ يَخْتَارُ الْمُحْسِنِينَ يَخْتَارُ الْمُؤْمِنِينَ يَخْتَارُ الْمُطِيعِينَ يَخْتَارُ الْمُتَّقِينَ)» (کسی که برای خودنمایی نماز بخواند و روزه بگیرد مشرک است).

در آثار شعرای قرن هفتم و هشتم به وفور این رذیلت اخلاقی مورد انزجار و انتقاد واقع شده است که به قول دکتر شریعتی: ادب پرده‌ها را می‌درد و سرپوش‌ها را برمی‌دارد تا حقیقت انسان را به صورتی عریان آشکار سازد و در نظر ادب هیچ خویی زشت‌تر از دورویی و نفاق اجتماعی نیست. ابن‌یمین نیز از این خصلت زشت برخی از مردم به ستوه آمده و زبان به نقد و نکوهش آن‌ها گشوده است. بهترین تعبیری را که ابن‌یمین از ریاکاران داشته است می‌توان در بیت زیر مشاهده کرد که ریاکاران را به مار ماهی تشبیه می‌کند که نه می‌توان آن را ماهی، موجودی بی‌خطر و سودمند نامید و نه مار سمی کشنده و ترسناک:

زین همدمان فغان که همه مارماهی‌اند صورت به سان ماهی و سیرت به سان مار

(ابن‌یمین: ۴۱۹)

ابن‌یمین مردم زمانه خود را مردمی ریاکار و ناخالص می‌داند که هر روز و هر سال بدتر از روز و سال گذشته می‌شوند و همچون مار دو زبان دارند و ناخالص‌اند:

گشته است طبیعت گروهی در شیوه مرگ و رسم تلبیس

دائم دوزبان چو مار بودن امسال بتر ز پار بودن

(همان: ۴۹۴)

ابن‌یمین توجه صرف به ظاهر را سالوس و زرق می‌نامد و تأکید دارد که اگر تنها به آبادی و آراستگی ظاهر بپردازید سالوسیان و ریاکارانی بیش نیستید:

معنی طلب از باطن بگذر ز ره ظاهر کاراستن صورت سالوس و زرقی است

(همان: ۲۰۴)

ابن‌یمین به ظاهرسازان و ریاکاران هشدار می‌دهد که اگر تنها به آراستن ظاهر بپردازید از حقیقت بی‌بهره و همچون پیازی خواهید شد که پوست در پوست است و خالی از مغز که نزد دوست و دشمن اجرو قربی نخواهید داشت؛ چراکه مردم خردمند و دانا براساس ظاهر آدمی قضاوت نمی‌کنند بلکه به باطن و حقیقت بها می‌دهند:

معنی طلب که بر در و دیوار صورت است مغزست نزد مردم دانا هنر نه به پوست

همچون پیاز جمله ار تن پوست گشته‌ای گند دماغ از تو، نه دشمن خرد، نه دوست

(همان: ۳۵۵)

ابن‌یمین در نهی و نکوهش ریا و ظاهرسازی تا بدان‌جا پیش می‌رود که جستن نام و دوری از ننگ به خاطر جلب نظر مردم را نیز مردود می‌شمارد و توصیه می‌کند که اگر آسوده زیستن در دنیا و آخرت را می‌طلبید، می‌بایست از نام و ننگ دست بشوید:

مراثی زیستن در پیش خلقان	بود تزویر نزد اهل فرهنگ
تو تا در بند نام و ننگ خویشی	نخواهی باز رست از محبس تنگ
گرت آسایش کونین باید	بباید شست، دست از نام و از ننگ
نظر ابن‌یمین گویا بر این داشت	که بر زد شیشه تزویر بر سنگ

(همان: ۴۵۱)

پس از ظاهرسازی ریاکاران، ظاهرپرستی و فریفته‌شدن برخی از مردم، به ظاهر آنان موجب رونق بازار ریاکاران خواهد شد که ابن‌یمین ضمن اینکه مردم را از ریاکاری و ظاهرسازی برحذر می‌دارد ظاهرفریبی مستی عوام غافل را نیز نکوهش می‌کند.

۳.۲. حرص و طمع

حرص در لغت به معنی علاقه شدید و یکی از اخلاق رذیله است که انسان را به گردآوردن آنچه بدان نیاز ندارد بر می‌انگیزد.

پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: آدمیزاد پیر می‌گردد و دو خصلت در او جوان می‌شود: حرص و آرزوی دراز (مجتبوی، ۱۳۶۶: ۱۳۸۰/۲). ابن‌یمین با تقبیح مکرر طمع به‌عنوان یک رذیله اخلاقی به پرهیز از آن راهنمایی می‌کند و عاقبت طمع و حرص‌ورزی را در جای‌جای دیوان خود می‌آورد:

هر بلایی که می‌شود واقع	در میان خلایق عالم
چو نکو بنگری طمع باشد	منشاء آن بلا ز بیش و ز کم
گر نبودی طمع نیفتادی	از بهشت برین برون آدم
هر که نقش طمع ز لوح خمیر	بسترد و ارهد ز محنت و غم
از طمع دورباش ابن‌یمین	گر دلی بایدت خوش و خرم

(ابن‌یمین، ۱۳۴۴: ۹۸۰۷ - ۹۸۰۳)

او خود را با پرهیز از طمع و حرص، فرد آزاده‌ای می‌داند که از حرص و آرزوی گزیده است. او در دیوان خود با گفتن داستان‌هایی و همچنین بیان پند پیران و بزرگان نیز این رذیله اخلاقی را نفی و عاقبت کار را گوشزد می‌کند:

پدري با پسر به شفقت گفت	که پسندیده دار عادت و خو
راحت نفس اگر می خواهی	بیشتر از نصیب خویش مجو
تا بپرسند دم مزن به سخن	و آنچه گویی به جز صواب مگو
کز رسیدن به مقصدت هوس است	راه کان مستقیم نیستیم میو
به طمع در خطر میفت و مکن	رشته غم بدست آز در تو
کـــه نخواهد همیشه باز آید	به سلامت ز چشمه سار سبو

(همان: ۱۰۳۳۱ - ۱۰۳۲۶)

به وجود آمدن حرص و طمع، این رذیلت بزرگ اخلاقی و اجتماعی در وجود انسان نتیجه دنیاپرستی و دنیاخواهی است. حضرت علی (ع) در این باره فرموده‌اند: آن کس که قلب او با دنیاپرستی پیوند خورد همواره جانش گرفتار سه مشکل است: اندوهی رهانشدنی، حرصی جدانشدنی و آرزویی نیافتنی (نهج البلاغه: ۶۸۷).

ابن‌یمین طلب روزی بیش از وجه معاش و کفاف را، افزون طلبی و حرص و آز می‌نامد. ابن‌یمین معتقد است که اگر کسی بیش از نیاز خود طلب می‌کند؛ در واقع او نگهداری است برای گنجی که از آن دیگری خواهد بود. ظاهراً ابن‌یمین این مضمون را از کلام امیر مومنان حضرت علی (ع) گرفته است که فرموده‌اند: «ای فرزند آدم، آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی برای دیگران اندوخته‌ای» (نهج البلاغه: ۶۷۱).

از آنجاکه رزق هر کس مقسوم است و سعی بیش از حد آدمی به جایی نمی‌رسد ابن‌یمین هوس بیشتر خواستن آدمی را گدا طبعی و تربیت حرص و پرورش و آز می‌داند. حال که افزون‌طلبی و طلب بیش از حد نیاز تنها موجب کاستن عمر به وسیله غم دنیاست، ابن‌یمین آدمی را به قناعت و میدان ندادن به حرص و طمع سفارش می‌کند. مردم دون همت از آتش حرص و آز، آبروی خود را بر باد می‌دهند و حرص و طمع، آن‌ها را مطیع همت ابناء دهر می‌کند موجب می‌شود پیش هر کس و ناکس کمر خدمت ببنند و چون خاک پیش پای لثیمان افتند به امید برخورداری بیشتر از دنیا.

ابن‌یمین از این که مردم بنده حرص و طمع‌اند برآشفته است و با مشاهده این که حتی با خردمندان در پی طمع و آز هرگونه خواری و زبونی را متحمل می‌شوند زبان به نکوهش مردم حریص می‌گشاید:

در این زمانه ندانم کسی ز اهل خرد	نظر بدوزد و بهر طمع زبون نشنود
مجردی چو الف در جهان کجا باشد	که پیش میم طمع قامتش چو نون نشود
غلام همت آنم که خاطر عالیش	مطیع همت ابناء دهر دون شود

چو خاک پای لثیمان شوی ز آتش حرص شود به بـاد همه آبروت و چون نشود

(همان: ۳۸۴)

ابن‌یمین درمان حرص و طمع را چیزی جز قناعت نمی‌داند و بارها مردم حریص و طماع زمانه خود را به قناعت فرامی‌خواند. او به کسانی که به خاطر طمع به مال حرام برخی از ثروتمندان به آن‌ها خدمت می‌کنند و در برابرشان خم و راست می‌شوند هشدار می‌دهد که با این کار در واقع تمام زندگی خود را حرام می‌کنند. وی در توصیه به قناعت و دوری از طعام حرام ثروتمندان و نیز حذر از نوکری همچون خودی، تا جایی پیش می‌رود که حتی قرض گرفتن نان از جهود را بر آن ترجیح می‌دهد:

و گر کفاف معاش نمی‌شود حاصل روی و شام شبی از جهود وام کنی

هزار بار از آن به، که بامداد پگاه کمر ببندی و بر چون خودی سلام کنی

(همان)

ابن‌یمین حرص و طمع را موجب خواری، بی‌آبرویی و زبونی و در مقابل، قناعت را موجب از عزت و آزادگی می‌داند و کسانی را که بنده حرص و طمع خویش هستند و دست طلب به سوی هر کس و نا کسی دراز می‌کنند، نامردمانی می‌داند که در برابر دنیا پایداری و مناعت طبع به خرج نداده و مغلوب آن شده‌اند:

ای دل نصیحتم بشنو تا برون بری گوی مراد از خم چوگان روزگار

خواری مکش ز حرص چو مرغان خانگی سپیمرغ وار قاف قناعت کن اختیار

(همان: ۴۱۰)

۴. مضامین اخلاقی در اشعار پروین اعتصامی

۴.۱. پرهیز از ریاکاری و تظاهر

ریاکاری از رفتارهای ناشایست یک انسان می‌تواند باشد. ریشهٔ ریا در دروغ‌گویی است و هدف از ریا و دروغ جذب منفعت می‌باشد؛ بدین‌گونه که فرد با انجام رفتارهای دروغین، اعتماد مردم را به‌دست می‌آورد و آنگاه در فرصت‌های پیش آمده به‌منظور کسب قدرت و منفعت نهایت استفاده را می‌برد. البته با نگاهی عمیق به جامعه می‌توان ریشه ریاکاری و دروغ را در رفتارهای قدرتمندان جست‌وجو کرد. در زمانهٔ پروین حاکمانی نالایق و ریاکار بر سر کار بوده‌اند که با تظاهر به دینداری و مردم‌داری، خود، عامل مهمی در گسترش شیوهٔ نامیمون ریا و دروغ‌پردازی بودند. در نگرش اصلاحی پروین این ریا و سالوس در تقابل با راستی قرار گرفته‌اند. پروین ریشه همه فسادها را در روی و ریا می‌داند و به همین جهت ما را از ریاکاری منع می‌کند و می‌گوید: روی و ریا را آیین خویش قرار مده. وی با تمثیل می‌گوید که کشت دروغ، حقیقت و راستی را به بار نمی‌آورد و همچنین اشاراتی به قاضی، پارسا، واعظ و حاکم و اعمال ناپسند و

ریاکارانه آنان دارد و با نگاهی دقیق به آسیب‌شناسی این پدیده می‌پردازد. البته پروین به‌طور کلی ریاکاری واقعی را به سبک تعلیمی سنتی دهر و زمانه می‌داند و اشاره‌هایی به این موضوع نیز دارد (کامبوزیا و همکاران: ۱۳۹۰).

زمانه گشت چو عطار و خون هر سگ و خوک فروخت بر همه و گفت: مشک تاتار است

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۵۱)

پروین تعرضی نیز به قضات فاسد دارد. واضح است کسانی که بر مسند عدالت نشسته‌اند، اگر خود فاسد و ریاکار باشند فضای آن جامعه فضای فاسد و سراسر ظلم و تبعیض خواهد شد.

آن سفله‌ای که مفتی است نام او تا پود و تار جامه‌اش از رشته و ریاست

(همان: ۳۰)

دینداری دروغین و ریایی نیز از نظر پروین دور نمانده است. از آنجایی که خود پروین زنی دیندار است در شعرهایش دین‌ورزی ریاکارانه را مورد نقد و انتقاد قرار می‌دهد و مخاطب خود را از لقمهٔ سالوس و اشتباهی به آن، دوستی با دیو و دشمنان، آیین دورویی، بی‌صدافتی و بی‌ایمانی، وسوسه و تزویر، فریب، جادو و شعبده و کارهای ریاکارانه منع می‌کند:

لقمهٔ سالوس که را سیر کرد؟ چند بر این لقمه تو را اشتهاست

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۰)

سلام دزد مگیر و مطاع دیو خواه چراکه دوستی دشمنان ز مکاری است

(همان: ۵۱)

۴.۲. توجه به قناعت

از دیگر توصیه‌های اخلاقی پروین، قناعت‌ورزی است. پروین توانگری را در قناعت‌ورزی می‌بیند و سعدی‌وار می‌سراید که «قناعت توانگر کند مرد را» در شعر پروین، قناعت در تقابل با حرص و آز قرار می‌گیرد و این توصیه در این جهت است تا انسان با قانع‌شدن به آنچه دارد از گرفتارشدن در دام‌هایی که حرص و آز برایش می‌گسترانند در امان بماند. انسان قانع برخلاف انسان حریص نگاهی واقع‌بینانه به زندگی و جهان دارد و نتیجهٔ چنین نگرشی سلامت روح و روان، داشتن ایمان سالم و زندگی اخلاقی - انسانی است. پروین شخص قانع را مانند همای سعادت خوشبخت می‌داند و در نظر او دولت درویشی بر دولت جم برتری دارد. وی می‌گوید: هر کس که به خوشه‌ای قناعت ورزد دیگر اندوه نیک و بد، ملک جهان، خرمن و خروار، گنج قارون و ملک سلیمان را ندارد:

عاقل ار کار بزرگی طلبید تکیه بر بیهده گفتار نداشت

آب نوشید چو نوشابه نیافت درم آورد چو دینار نداشت

آن که با خوشه قناعت می کرد

چه غم از خرمن و خروار نداشت

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۶۶)

روشن ضمیر آن که این خوان گونه‌گون

قسمت همای وار بجز استخوان نداشت

(همان: ۶۸)

خوشر از دولت جم دولت درویشی

بهتر از قصر شهی، کلبه دهقانی

(همان: ۱۵۵)

قناعت کن اگر در آرزوی گنج فارونی

گدای خویش باش از طالب ملک سلیمانی

(همان: ۱۳۶)

زان گنج شایگان که به کنج قناعت است

مور ضعیف گرچه سلیمان شود رواست

(همان: ۲۳)

ابن‌یمین ادیبی فاضل و شاعری قانع و زاهدی عارف است که همراه با قیام سربداران بر ظلم و جور زمانه شوریده است و هنر وی بیشتر در سرودن قطعات اجتماعی و اخلاقی سودمند وی است که شهرت بسیار دارد، چنان‌که می‌توان او را بعد از انوری، بزرگ‌ترین شاعر قطعه‌سرای پارسی دانست. قطعات وی بیشتر مشتمل بر اخلاق و نصایح، عزت‌نفس، دوری و مذمت چاپلوسی و مدح ناکسان و ... است. وی خوانندگان را به کار و کوشش و قناعت و استقلال ترغیب و به پرهیز از طمع و زیاده‌طلبی دعوت می‌کند. ابن‌یمین فریومدی از شاعران شیعی مذهب قرن هشتم است که اشعار او باتوجه‌به آبخورهای فرهنگی و مذهبی‌اش و تحت‌تأثیر آیات قرآنی و احادیث نبوی و ائمه اطهار (ع) به فراوانی و به‌صورت‌های گوناگون مخصوصاً در قالب قطعه با مضامین اخلاقی زینت یافته است. ابن‌یمین در قطعه‌سرایی فارسی از مقام والایی برخوردار است و قطعات وی در عین کوتاهی و سادگی، آینه روشنی از اوضاع و احوال بی‌سامان و پریشانی‌های اخلاقی و اجتماعی و سیاسی روزگار پرآشوب و پرتزلزل او است. اشعار ابن‌یمین از تکلف و تصنع عاری و از لحاظ انسجام و سادگی و روانی ممتاز است ولی اینکه او گاهی خود را در شاعری برابر با انوری و یا برتر از او می‌شمارد جز پندار و بلندپروازی شاعرانه نیست.

پروین با تمثیلات و مناظرات اخلاقی خود به زندگی مردمان (بیشتر توده مردم) نزدیک شده و غرور، گذشت، همت، پستی و بلندی، دانایی و نادانی انسان را به تصویر کشیده است. تلاش وی این است که از طریق اشعار خود همه را به سوی کمال سوق دهد. اشعار پروین بیانگر مسائل اخلاقی است و ایده‌آلیسم پروین، ایده‌آلیسم اخلاقی است. نقش تعلیم و تربیت در انسان‌سازی باعث شده است تا پروین با نگرشی اصلاحی و نگاهی دقیق، درد جامعه خویش را تشخیص دهد و برای درمان آن پندواندرز را در قالب شعر ارائه کند. وی شاعری متعهد است و شعرش نیز شعری

اخلاقی و اجتماعی و عناصر مطرح شده در شعر پروین در قید زمان‌های کوتاه و یا مرزهای محدود جغرافیایی نیستند اگرچه رنگ ملی خویش را کاملاً حفظ کرده‌اند. پروین اعتصامی مضامین اخلاقی را از طریق مناظره‌ها بیان می‌کند و با فن مناظره میان اشیاء با یکدیگر، به‌طور فردی و اجتماعی به مسائل اخلاقی می‌پردازد. وی در تعالیم انسانی خود، انسان را مادرانه به‌سوی خدا و انسانیت فرامی‌خواند، به‌گونه‌ای که در تعالیم انسانی فردی خود به مؤلفه‌های اخلاقی همچون تقوی، پاکی، راستی، علم اندوزی، هنرورزی، و پرهیز از هوی و هوس و امثالهم توجه دارد و در تعالیم اجتماعی به بیان دردها و رنج‌های جامعه می‌پردازد. تعالیم وی آزادی‌خواهی، انسان‌دوستی، همدردی با دیگران، حمایت از مردم، تشویق به واقع‌بینی و تلاش و تعاون و همکاری و حمایت از یتیمان است. درواقع موضوعات اصلی شعر وی جبر یا تقدیر، بیان حال توده مردم در برابر استثمارگرایی طبقات اشراف و وضع نابسامان بیوه‌زنان، سالخوردگان و تهیدستان جامعه است.

پروین اعتصامی بدین‌سان آینده را در برابر مخاطبان خود قرار می‌دهد؛ همچنین کژی‌ها و کاستی‌های جامعه و قصور آن‌ها نسبت به تعهدات اخلاقی و پیامدهای آن را به تصویر می‌کشد. پروین تنها شاعری است که در عصر حاضر و در سطحی گسترده به سبک ادبیات تعلیمی گذشتگان شعر سرود و طبع‌آزمایی کرد و چون نگین درخشانی بر تارک ادب پارسی درخشید. قدیمی‌ترین قطعه‌ها مربوط به ابن‌یمین است و از بین شاعران معاصر تنها پروین اعتصامی بیشتر اشعارش را در قالب قطعه سروده است. هرچند زبان شعری هر دو شاعر به‌هم نزدیک است لیک در شعر پروین برخی مسائل روز مطرح شده و همین امر باعث می‌شود خواننده به معاصر بودن وی پی ببرد.

۵. هنر و ادبیات در آثار پروین اعتصامی

بهترین نام برای قلب زنده‌ اثر هنری - ادبی چیزی نیست جز زیبایی‌شناسی. حس و اندیشه زیبایی‌شناسی همان هرمنوتیک هنری است. در زنجیره هنر هرمنوتیک، پایان هر اثر، آغاز اثری جدیدتر است و هر اثر هنری الهام‌بخش آفرینشی تازه می‌گردد. هنر گاهی شکل زیباشناسانه خود را تغییر می‌دهد؛ که این تغییر شکل می‌تواند از راه بازسازی زبان، فهم و دریافت صورت گیرد و در زیبایی‌شناسی هنر، جهت معرفت‌بخشی، تأثیرگذاری، کارکرد و نقش اجتماعی اثر هنری ضروری است؛ چراکه در صورت عدم استقلال، هنری روزمره، تکرارپذیر و عامیانه خواهیم داشت. هنر و ادبیات دو شکل از آفرینش است که از دیدگاه زیبایی‌شناسی به‌هم پیوسته‌اند. در نگرشی می‌توان ادبیات را هنر نامید، آن‌گاه که ویژگی‌های اثر هنری را با خود دارد، یعنی اثری خلق شده و تکرارناپذیر؛ چراکه ادبیات و هنر بیانگر احساس و عواطف هنرمند است و احساس و عاطفه پدیده‌ای است که نمی‌توان آن را به‌راحتی بازگو و تکرار نمود (عسکرنژاد، گذشتی، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

هنر در ادبیات و در نزد شاعران کلاسیک و همچنین شاعران معاصر که تحت تأثیرپذیری از ادبیات کهن قرار گرفته‌اند مفهومی فراتر از آنچه که امروز نامیده می‌شود را دربر دارد و اغلب جنبه‌های خوب و فضیلت‌های معنوی وجود انسان را شامل می‌شود و این امر قدمتی دیرینه دارد و تقریباً در تمامی آثار کلاسیک هنر در این معنا به‌کار رفته است.

نقش هنر در دیوان پروین بسیار پررنگ است و می‌توان هنر را یکی از موارد پربسامد دیوان اشعارش شمرد. پروین، همانند شاعران کلاسیک و یا تحت‌تأثیر آن‌ها هنر را در معنای کهن یعنی همان فضایل اخلاقی به‌کار می‌برد و در این راستا وی اغلب هنر را در بافتی قرار می‌دهد که در مقابل آن امری ناپسند ذکر شود و هنر بیشتر جنبه معنوی دارد. هنر از دید پروین هر آن چیزی است که سبب برتری و کمال انسان می‌شود و انسانیت را در پی دارد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که هنر را در دید پروین برجسته و مهم ساخته است می‌تواند همان جهانی بودن این مسئله باشد. به‌طور کلی واژه هنر و مشتقات آن ۷۸ بار در خلال ۷۳ بیت در دیوان پروین دیده می‌شود. واژه هنر به‌تنهایی ۵۹ بار در دیوان پروین اعتصامی دیده می‌شود، بسته به فضای اشعارش تلقی وی از هنر متفاوت است اما از دیدگاه پروین هنر همواره در برگیرنده معنایی مثبت و امری پسندیده و مقبول است که در مقابل امری ناپسند قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

ابن‌یمین در اصل مردی قناعت‌پیشه و گوشه‌گیر، دهقان و معتقد به آداب و مبانی اخلاقی بوده است و این موضوع از قطعات اخلاقی معروفش واضح و آشکار است و به‌خاطر همین هم در میان شاعران عهد خود یگانه شد. قطعات اخلاقی ابن‌یمین در روزگار نزدیک به زمان شاعر، شهرت و معروفیت تمام داشت. کلام ابن‌یمین برخلاف شاعران هم‌دوره او که برای فضل‌فروشی و اثبات اشرافشان بر علوم، غالباً سخت و دشوار بود در کمال سادگی و روانی و عاری از هرگونه تکلف و فضل‌فروشی و به تمام معنی، دنباله سبک ساده شاعران خراسانی بوده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که ابن‌یمین در بیان نصایح و نظرات اخلاقی خود، از عرفان اسلامی و آیات و روایات تأثیر پذیرفته است و مضامین اخلاقی موردتوجه او، بیشتر از مضامینی انتخاب شده که جنبه فردی دارند مانند: تقوا، عبادت، توبه، پرهیز از حسد و غیره. علاوه بر این می‌توان گفت ابن‌یمین نسبت به پروین، کم‌تر به عواقب و عوارض ترویج بی‌اخلاقی‌ها اشاره کرده است. در مقابل پروین با توجه به دورانی که در آن می‌زیست، دیدگاهی اجتماعی‌تر و جهانی‌تر نسبت به اخلاق و مضامین تعلیمی دارد و با توجه به اینکه در دوران پروین تضاد طبقاتی بیداد می‌کرد، لذا او به عواقب و پیامدهای ترویج بی‌عدالتی و بی‌اخلاقی واقف بود و به همین دلیل بارها نسبت به ترویج بد اخلاقی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها هشدار داده این عامل را از مهم‌ترین عوامل سقوط اخلاقی جامعه و به تبع آن، فروپاشی نظام اخلاقی جامعه دانسته است. بررسی واکنش گلایه‌آمیز هر دو شاعر نسبت به اوضاع روزگار خود بیانگر آن است که اولاً ابن‌یمین در اشعار خود و شکایت‌های خویش بیشتر از خود، داد سخن سر می‌دهد و شکوه می‌نماید اما پروین اعتصامی به‌عنوان یک شاعر واقع‌گرا وقتی اوضاع نامناسب و درد و غم افراد هم‌نوع را می‌بیند به‌عنوان نماینده مردم سخنان خود را در شکایت احوال روزگار بیان می‌نماید. دیگر اینکه مفاهیم اشعار ابن‌یمین در این زمینه در یک قطعه حالت پیوستگی داشته و به هم مربوط می‌شوند و باید در کل قطعه، به نظر و بیان شاعر پی برد و در کل قطعه به نتیجه‌گیری پرداخت، حال آنکه پروین با مهارتی که در شیوه مناظره دارد به‌صورت تمثیلی بعد از طرح حکایت در میان گفت‌وگوهای طرفین زیرکانه گریزی به موضوع شکایت از روزگار می‌زند و با یک تک بیت پند و اندرز تمام تقصیرات را از چشم روزگار می‌بیند و همه گرفتاری‌ها را به گردن گردون گردان کج مدار می‌اندازد که نگاه او برعکس ابن‌یمین تیز و بیشتر حالت پرخاش دارد ولی نگاه ابن‌یمین ملایم و نرم است.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

قرآن مجید.

نهج البلاغه. (۱۳۷۸). ترجمه: محمد دشتی، قم: اسلامیه.

ابن‌بیمین، فخرالدین محمودبن امیری فریومدی. (۱۳۴۴). دیوان اشعار. به تصحیح و اهتمام حسینی باستانی‌راد، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.

----- (بی‌تا). دیوان اشعار ابن‌بیمین. به تصحیح حسینعلی باستانی‌راد، تهران: کتابخانه سنایی.

اعتصامی، پروین. (۱۳۸۷). دیوان اشعار. به مقدمه ملک‌الشعری بهار، تهران: آبادان.

----- (۱۳۳۳). دیوان اشعار. به کوشش ابوالفتح اعتصامی، چاپ چهارم، تهران: چاپخانه مجلس.

----- (۱۳۵۳). دیوان پروین اعتصامی. به کوشش منوچهر مظفریان، ج ۹، تهران: چاپخانه مجلس.

برتلس، ی. (۱۳۰۶). «مراسلات ابن‌بیمین». ترجمه: طالب‌زاده سردادور، تهران: آینده.

بهار، محمدتقی. (۱۳۵۱). «مراسل ابن‌بیمین». تهران: آینده.

بهبهانی، سیمین. (۱۳۷۰). پروین اعتصامی. تهران: نگاه.

جرجانی، میر سیدشریف. (۱۳۶۰). السعتر نیات. ترجمه: عمران علی‌زاده، تهران: وفا.

چاوش اکبری، رحیم. (۱۳۷۸). حکیم بانوی شعر فارسی: زندگی و شعر پروین اعتصامی، تهران: نشر ثالث.

حافظ، خواجه شمس‌الدین. (۱۳۹۲). دیوان. تهران: نگارستان.

دهباشی، علی. (۱۳۷۰). یادنامه پروین. تهران: دنیای مادر. پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). لغت‌نامه. تهران: مؤسسه لغت‌نامه.

سال‌نامه علوم انسانی

دولتشاه سمرقندی. (۱۳۳۸). تذکره‌الشعراء تهران: اساطیر.

رزمجو، حسین. (۱۳۷۴). انواع ادبی و آثار آن. مشهد: آستان قدس رضوی

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۲). انواع شعر. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

سجادی، جعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ معارف اسلامی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات کوش.

سلطانی، علی. (۱۳۷۰). پروین اعتصامی اختر چرخ ادب. تهران: ثالث.

شریعتمداری، علی. (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: امیرکبیر.

شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). انواع ادبی. تهران: فردوس.

صفا، ذبیح‌اله. (۱۳۵۷). تاریخ ادبیات ایران. تهران: فردوسی.

طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۴). اخلاق ناصری. تصحیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.

قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۵). قاموس قرآن. چاپ هفتم، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

کریمی حکاک، احمد. (۱۳۷۰). شاعران زن. تهران: نگاه.

مجتبوی، سید جلال‌الدین. (۱۳۶۶). علم اخلاق اسلامی. ترجمه: جامع‌السعادات نراقی، تهران: دنیای مادر.

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۳۸۸). بحار الانوار. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

محسنی، مرتضی و پیروز، غلامرضا. (۱۳۸۸). تحلیل شعر پروین براساس نظریه زیباشناسی انتقادی. تهران: جهان دانش.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۶۲). میزان‌الحکمه. قم: مکتب الاعلام الاسلامیه.

نراقی، مهدی. (۱۳۷۷). گزیده علم اخلاق اسلامی. تهران: حکمت.

مقالات

صافی، قاسم. (۱۳۷۹). «پیام‌های تربیتی و رفتاری در اشعار ابن‌یمین». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره‌های ۱۵۳ و ۱۵۴.

عسکرنژاد، منیر؛ گذشتی، محمدعلی. (۱۳۹۳). «بررسی بن‌مایه‌های زیبایی‌شناسی هنر و ادبیات». زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۵، شماره ۲۰، ۱۸۱-۱۶۳.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه؛ اعلائی، مریم. (۱۳۹۰). اخلاق و عرفان در شعر پروین اعتصامی». فصلنامه پازند، شماره ۷، ۱.

محمدی اشتهدادی، محمد. (۱۳۸۱). «حکمت‌های دهگانه لقمان در قرآن». مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۴۵، ۱۹-۲.

هادی، زینب. (۱۳۹۰). «آسیب‌شناسی اخلاقی و اجتماعی در دیوان اشعار ابن‌یمین فریومدی». پژوهشنامه ادب حماسی پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، دوره ۷، شماره ۱۱، ۳۰۴-۲۷۵.

پایان‌نامه‌ها

حیدری، فرهاد. (۱۳۹۰). «اخلاق در شعر پروین اعتصامی». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کردستان.